



احمدی نژاد: «بهار جهانی» آغاز شده است/ همه از نظام حاکم بر جهان مایوسند

رئیس جمهور با اشاره به ضعف ساختار سازمان ملل گفت: وجود تبعیض در هیچ صورتی پذیرفتنی نیست و ایران آماده است به اصلاح ساختار سازمان ملل کمک کند.

در شصت و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل

احمدی نژاد: #171 آغاز شده است/ همه از نظام حاکم بر جهان مایوسند

رئیس جمهور با اشاره به ضعف ساختار سازمان ملل گفت: وجود تبعیض در هیچ صورتی پذیرفتنی نیست و ایران آماده است به اصلاح ساختار سازمان ملل کمک کند.

به گزارش حوزه دولت خبرگزاری فارس، رئیس جمهوری اسلامی ایران در شصت و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت: من از سرزمین ایران، سرزمین شکوه و زیبایی، سرزمین علم و فرهنگ، سرزمین حکمت و اخلاق، مهد فلسفه و عرفان و دیار مهر و نور، سرزمین دانشمندان، حکیمان، فیلسوفان، عارفان، ادیبان، سرزمین بوعلی سینا، فردوسی، مولوی، حافظ، عطار، خیام و شهریار به نمایندگی از ملتی بزرگ و سرافراز، از پایه‌گذاران تمدن بشری و از میراث‌داران ارجمند جهانی و به نمایندگی از مردمانی آگاه، آزادیخواه، دوستدار صلح، مهربان و صمیمی که طعم تلخ تجاوزها و جنگ‌های تحمیلی را چشیده و عمیقاً قدرشناس ثبات و آرامشند، اکنون در جمع شما خواهران و برادران خود از سراسر جهان حضور یافته‌ام تا برای بار هشتم در هشت سال مأموریت خدمتگزاری به مردم شایسته کشورم، به جهانیان نشان دهم ملت شریف ایران همچون گذشته تابناک تاریخی‌اش، اندیشه‌ای جهانی دارد و از هرگونه تلاش و مجاهدت برای تأمین، توسعه و تحکیم صلح، ثبات و آرامش در جهان که البته تنها از طریق همفکری و همکاری و مدیریت مشترک میسر است، استقبال کرده و آن را مهم تلقی می‌کند.

*تاریخ بشر پر از تلخ‌کامی و شکست است

وی افزود: اینجانب اینجا هستم تا پیام الهی و انسانی مردان و زنان فرهیخته کشورم را به شما حضار محترم و به همه مردم جهان ابلاغ کنم. پیامی که خداوند سخن ایران زمین سعدی علیه‌الرحمه در دو بیت ماندگار تاریخی به همه بشریت چنین هدیه کرده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چه عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

طی هفت سال گذشته از چالش‌ها و راه‌های برون‌رفت از آنها و افق آینده جهان سخن گفتم و امروز می‌خواهم از منظر دیگری به آن بپردازم. هزاران سال از پراکنده شدن و زندگی فرزندان حضرت آدم(ع) در بخش‌های مختلف زمین می‌گذرد؛ فرزندی که با رنگ‌ها و سلايق و زبان‌ها و آداب گوناگون، در آرزوی ساختن جامعه‌ای متعالی و رسیدن به زندگی زیباتر و استقرار رفاه و صلح و امنیت پایدار تلاش گسترده‌ای بعمل آوردند.

علیرغم مجاهدت پیگیر صالحان و عدالت‌طلبان و تحمل رنج‌های فراوان توسط توده‌های مردم برای نیل به شادکامی و پیروزی، جز در موارد اندک، تاریخ بشر پر از تلخ‌کامی و شکست‌هاست.

لحظه‌ای در ذهن خود تصور کنید اگر خودبرتربینی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها، بداخلاقی‌ها و دیکتاتوری‌ها نبود و هیچکس به حق دیگری دست اندازی نمی‌کرد، اگر به جای میزان برخورداری و مصرف، ارزش‌های انسانی معیار شأن اجتماعی بود، اگر بشر دوره سیاه قرون وسطی را تجربه نکرده بود و قدرت‌مندان مانع از شکوفایی علم و اندیشه سازنده نمی‌شدند، اگر جنگ‌های صلیبی و دوران برده‌داری و استعمار واقع نشده بود و میراث‌داران آن دوران سیاه، در ادامه راه، انسانی عمل می‌کردند، اگر جنگ‌های اول و دوم در اروپا و جنگ کره و ویتنام و جنگ‌های آفریقا و آمریکای لاتین و بالکان اتفاق نمی‌افتاد و به جای اشغال فلسطین و تحمیل حکومت جعلی و نسل‌کشی و آواره کردن میلیون‌ها نفر، حقیقت حوادث جنگ اعلام و به عدالت رفتار می‌شد، اگر تجاوز صدام علیه ایران نبود و زورمداران به جای

حمایت از صدام، از حقوق ملت ایران حمایت می‌کردند، اگر حادثه تلخ 11 سپتامبر و لشکرکشی به افغانستان و عراق و کشتار و آوارگی میلیون‌ها نفر اتفاق نمی‌افتاد و به جای کشتن و به دریا انداختن یک متهم بدون محاکمه و اطلاع‌رسانی به مردم آمریکا و جهان، یک گروه مستقل حقیقت یاب امکان آگاهی عمومی از کیفیت حادثه و مجازات عاملان آن را فراهم می‌آورد، اگر از افراط‌گرایی و تروریسم برای پیشبرد سیاست‌ها استفاده نمی‌شد، اگر سلاح‌ها به قلم تبدیل و هزینه‌های نظامی صرف رفاه و دوستی ملت‌ها می‌شد، اگر بر طبل اختلاف قومی، مذهبی و نژادی کوبیده نمی‌شد و از وجود اختلافات و بزرگنمایی آن مقاصد سوء سیاسی و اقتصادی دنبال نمی‌شد، اگر به جای ژست دروغین آزادیخواهی و دادن فرصت برای توهین به مقدسات بشری و انبیاء الهی که پاک‌ترین و مهربان‌ترین انسان‌ها و هدایای بزرگ خدای بزرگ به بشریت هستند، حق انتقاد از سیاست‌های سلطه‌جویانه و اقدامات صهیونیسم جهانی به رسمیت شناخته می‌شد و شبکه‌های رسانه‌ای جهان، مستقل و آزاد، حقایق را منتشر می‌کردند، اگر شورای امنیت تحت سیطره چند دولت نبود و سازمان ملل می‌توانست عادلانه عمل کند، اگر نهادهای اقتصادی بین‌المللی تحت فشار نبودند و منصفانه، کارشناسانه و بر اساس عدالت عمل می‌کردند، اگر سرمایه‌داران جهانی برای منافع خود، اقتصاد ملت‌ها را به ضعف نمی‌کشاندند و برای جبران اشتباهات خود، ملت‌ها را قربانی نمی‌کردند، اگر صداقت بر روابط بین‌المللی حاکم بود و همه ملت‌ها و دولت‌ها با حق یکسان و عادلانه می‌توانستند آزادانه در امور جهانی مشارکت و برای سعادت بشری تلاش کنند و خلاصه اگر ده‌ها وضعیت نامطلوب دیگر در حیات بشری رخ نمی‌داد و موجود نبود؛ تصور کنید در آن صورت زندگی چقدر زیبا و تاریخ چقدر دوست‌داشتنی بود.

بیاپید با هم نگاهی به وضعیت امروز عالم داشته باشیم.

*خلق 32 تریلیون دارایی کاغذی توسط یک دولت

الف) وضع اقتصادی

فقر و فاصله طبقاتی در حال گسترش است. مجموع بدهی خارجی فقط 18 کشور صنعتی جهان از مرز 60 تریلیون دلار گذشته است در حالیکه بازگشت حتی نیمی از آن فقر را از صاحبان منابع و از جهان ریشه کن می‌کند. اقتصاد متکی بر مسابقه مصرف‌گرایی به بهره‌کشی از انسان به نفع عده‌ای محدود انجامیده است.

خلق دارایی‌های کاغذی، با اتکا به قدرت و تسلط بر مراکز جهانی اقتصاد، بزرگترین سوء استفاده تاریخ است و یکی از عوامل اصلی بحران اقتصادی است.

گزارش شده است تنها توسط یک دولت 32 تریلیون دلار دارایی کاغذی خلق شده است. برنامه ریزی توسعه مبتنی بر اقتصاد سرمایه‌داری، با حرکت در دایره بسته، موجب رقابت غیرسازنده و مخرب شده و در عمل شکست خورده است.

*اصیل‌ترین قانون انسان‌ساز اجتماعی رو به نابودی است

ب) وضع فرهنگی

مکارم اخلاقی نظیر جوانمردی، پاکی، صداقت، مهربانی و فداکاری از منظر سیاستمداران حاکم بر مراکز قدرت جهانی، مفاهیمی ارتجاعی و مانع از پیشبرد اهداف تلقی می‌شود. رسماً از عدم اعتقاد به حاکمیت اخلاق در مناسبات سیاسی و اجتماعی سخن می‌گویند.

فرهنگ‌های اصیل و بومی که حاصل قرن‌ها تلاش و فصل مشترک زیبایی‌دوستی انسان‌ها و ملت‌ها و موجب تنوع و نشاط فرهنگی و تحرک اجتماعی جامعه جهانی است در معرض هجوم و انقراض است.

با تخریب و تحقیر سازمان یافته هویت‌ها شیوه خاصی از زندگی بی‌هویت فردی و اجتماعی به ملت‌ها تحمیل می‌شود.

خانواده که اصیل‌ترین قانون انسان‌ساز اجتماعی و مرکز خلق و پراکنش عشق و انسانیت است بسیار تضعیف شده و نقش سازنده آن رو به نابودی است.

شخصیت و نقش محوری زن که موجودی آسمانی و مظهر جمال و مهربانی خداوند و ستون پایداری جامعه است با سوء استفاده برخی از صاحبان قدرت و ثروت دچار آسیب فراوان شده است.

روح آدمیان مکدر و حقیقت انسان‌ها تحقیر و منکوب شده است.

*حتی صاحبان بمب اتم هم احساس امنیت نمی کنند

(ج) وضع سیاست و امنیت

یک جانبه گرایی و استانداردهای چندگانه و تحمیل جنگ و ناامنی و اشغال برای نفع اقتصادی و یا بسط سلطه بر مراکز حساس جهان، عادی شده است.

مسابقه تسلیحاتی و تهدید با سلاح اتمی و کشتار جمعی توسط قدرتهای مسلط امری رایج است. آزمایش تسلیحات به مراتب مخرب تر و فوق مدرن و تهدید علنی به داشتن آن و دادن وعده آشکار کردن آن در وقت مقتضی، به ادبیات تازه ای برای خالی کردن دل ملت ها برای پذیرش دوره جدیدی از سلطه بدل شده است. تهدید ملت بزرگ ایران به حمله نظامی از سوی صهیونیست های بی فرهنگ از نمونه های بارز این واقعیت تلخ است.

بی اعتمادی بر روابط بین المللی حاکم است و مرجع مورد اعتماد و عادل برای رفع مناقشات وجود ندارد.

حتی کسانی که هزاران بمب اتم و انواع سلاح ها را انبار کرده اند احساس امنیت نمی کنند.

*همه از آینده حاکم بر نظام جهان مایوسند

(د) وضع محیط زیست

محیط زیست که ثروت مشترک و متعلق به همه بشر و بستر تداوم حیات انسان است، به واسطه زیاده خواهی و تاخت و تاز عده ای بی مبالات و بی مسئولیت و عمدتاً از سرمایه داران جهانی، متحمل گسترده ترین تخریب ها است و در نتیجه، خشکسالی و سیل و زلزله و انواع آلودگی، حیات انسانی را به مخاطره جدی انداخته است.

دوستان!

ملاحظه می فرمایید علیرغم برخی پیشرفته ها هنوز آرزوهای فرزندان حضرت آدم(ع) محقق نگردیده است.

آیا کسی تصور می کند که ادامه نظم موجود بتواند سعادت را به جامعه بشری هدیه نماید؟

همه از وضع موجود و نظام حاکم بین المللی ناراضی و البته از آینده آن مأیوسند.

همکاران عزیز!

آدمیان شایسته چنین وضعی نیستند و خداوند حکیم و مهربان که همه انسانها را دوست دارد چنین وضعی را نپسندیده است. او از انسان که بالاترین مخلوق اوست خواسته است که بهترین و زیباترین زندگی همراه با عدالت و عشق و کرامت را در زمین برپا کند.

پس باید چاره ای اندیشید.

به راستی مسئول حوادث چه کسی و علت آن کدام است؟

عده ای تلاش می کنند وضع را طبیعی و خواست خدا، و ملت ها را مسئول اصلی زشتی ها و ناکامی ها معرفی نمایند.

می گویند: این ملت ها هستند که تبعیض و ظلم را می پذیرند.

این ملت ها هستند که تن به دیکتاتوری و تحمیل و زیاده خواهی می دهند.

این ملت ها هستند که تسلیم اراده های استکباری و توسعه طلبی ها می شوند.

این ملت ها هستند که تحت تاثیر ترفندهای تبلیغاتی گروههای قدرت قرار می گیرند و بالاخره اینکه آنچه بر سر جامعه جهانی می آید نتیجه مواضع منفعلانه و سلطه پذیرانه آنان است.

اینها استدلال کسانی است که با مقصر جلوه دادن ملت ها، اعمال مخرب و زشت اقلیت حاکم بر جهان را توجیه می نمایند.

این ادعاها حتی اگر درست می بودند نیز قطعاً و حتماً نمی توانستند توجیه کننده استمرار نظام ظالمانه بین المللی باشند. بلکه فقر و ضعف بر ملت ها تحمیل و زیاده خواهی ها گاه با فریبکاری و گاه با زور و سلاح اعمال شده و می شود.

***عاملان اصلی حوادث تلخ تاریخی دل سپرده به شیطانند**

آنان برای توجیه اقدامات ضدبشری خود نظریه تنازع برای بقای نوع و نژاد برتر را ترویج می کنند.

در حالی که اصولاً و به طور معمول اکثریت ملت ها و توده های مردم عدالتخواه و در برابر حق خاضع و به دنبال کرامت و رفاه و تعامل سازنده هستند.

توده های مردم به دنبال جهان گشایی و ثروت افسانه ای نبوده اند. آنها با هم اختلاف اصولی ندارند و نه تنها در حوادث تلخ تاریخ نقش تعیین کننده نداشته اند بلکه خود قربانی حوادث بوده اند.

باور ندارم که توده های مسلمان و مسیحی و یهودی، هندو و بودایی و غیره با یکدیگر مشکلی داشته باشند. آنان به راحتی با هم انس می گیرند و در فضای دوستی زندگی می کنند و همگی خواهان پاکی و عدالت و محبت هستند.

برآیند مطالبات و گرایشات عمومی ملت ها همیشه مثبت و فصل مشترک آنها، تمایلات فطری و گرایش های زیبا و متعالی الهی و انسانی بوده است.

حق این است که عامل اصلی و مسئول حوادث تلخ تاریخ و وضع ناگوار امروز، مدیریت حاکم بر جهان و مدعیان و قدرتمندان بین المللی دل سپرده به شیطان هستند.

نظمی که ریشه در اندیشه ضد انسانی برده داری و استعمار قدیم و جدید دارد، مسئول فقر و فساد و جهل و تباهی و ستم و تبعیض در جای جای جهان است.

***نظم حاکم بر جهان ناعادلانه و تبعیض آلود است**

مدیریت و نظم امروز حاکم بر جهان ویژگیهایی دارد که باید آنها را مورد توجه قرار داد و برخی از آن ها به این قرار است:

اول: مبتنی بر تفکر مادی و از این رو غیر متعهد به ارزشهای اخلاقی است.

دوم: بر اساس خودخواهی، فریب و کینه توزی و نفرت شکل گرفته است.

سوم: بر اساس درجه بندی انسانها، تحقیر برخی ملت ها، تضییع حقوق دیگران و سلطه طلبی پایه گذاری شده است.

چهارم: به دنبال بسط سلطه گری از راه تشدید تفرقه و درگیری بین اقوام و ملل است.

پنجم: به دنبال ایجاد انحصار در قدرت و ثروت و علم و فناوری برای گروهی معدود است.

*فریاد مردم آمریکا و اروپا به جایی نمی رسد

ششم: سازماندهی سیاسی در مراکز اصلی قدرت جهان، بر پایه ادبیات سلطه و غلبه بر دیگران استوار است. این مراکز همه برای کسب قدرتند و نه برای ایجاد صلح و خدمت به مردم.

- آیا می شود باور کرد عده ای برای خدمت به انسانها، صدها میلیون دلار در تبلیغات انتخاباتی هزینه نمایند؟

- به زعم احزاب بزرگ در کشورهای سرمایه داری جهانی، هزینه های انتخاباتی در واقع یک نوع سرمایه گذاری محسوب می شود.

- مردم در این کشورها مجبور به انتخاب احزاب هستند در حالی که احزاب درصد کمی از مردم را در عضویت خود دارند.

- اراده و نظر توده های مردم، از جمله در آمریکا و اروپا، در عرصه های مهم و مستمر تصمیم گیری به خصوص در سیاستهای اصلی داخلی و خارجی کمترین تأثیر را دارد و فریاد آنان به جایی نمی رسد. حتی اگر 99 درصد جامعه خود را تشکیل دهند.

- ارزش های اخلاقی و انسانی قربانی کسب رأی شده و توجه به مطالبات مردم فقط به یک ابزار تبلیغاتی در زمان انتخابات مبدل شده است.

هفتم: نظم حاکم بر جهان تبعیض آلود و بر اساس بی عدالتی است.

*ایستادگی در برابر اقلیت زیاده خواه برای قطع دست آنان از مراکز تصمیم ساز

دوستان و همکاران گرامی!

- چه باید کرد و راه برون رفت کدام است؟

شکی نیست که جهان نیازمند اندیشه و نظم جدیدی است. نظمی که:

1- انسان در آن به عنوان برترین مخلوق خداوند برخوردار از ابعاد مادی و معنوی و دارای فطرت پاک الهی که حق طلبی و عدالت خواهی از خصائص اصلی آن است شناخته شود.

2- به جای تحقیر و درجه بندی انسانها و ملت ها به دنبال احیای کرامت و پذیرش حرمت آدمیان و کمال و سعادت همگانی باشد.

3- با نگاه جهانی به دنبال صلح، امنیت پایدار و رفاه برای کل جامعه بشری باشد.

4- بر مبنای اعتماد و محبت به نوع انسان و برای نزدیک کردن اندیشه ها، قلب ها و دست ها و رفع فاصله ها پایه گذاری شود. حاکمان باید عاشق مردم باشند.

5- بر اساس عدالت و یکسانی همگان در برابر قانون و بر پایه استنادی یگانه باشد.

6- مدیران حاکم بر جهان خود را خادم مردم و متعهد به آنان بدانند، نه برتر از مردم.

7- مدیریت امانتی مقدس از سوی مردم در دست مدیران جهانی و نه فرصتی برای کسب ثروت و قدرت بیشتر به شمار آید.

جناب رئیس، خانم ها و آقایان!

- آیا چنین نظمی جز با مشارکت همگانی در مدیریت جهانی محقق می گردد؟

- بدیهی است روزی که آحاد مردم و دولتها جهانی بیندیشند و با التزام به مبانی فوق نسبت به مسائل مهم بین المللی احساس مسئولیت نموده و به مشارکت فعال در تصمیم گیری ها مبادرت ورزند، آرزوها فرصت تحقق پیدا خواهد کرد.

- با ارتقای سطح آگاهی ها، مطالبه مدیریت مشترک جهانی و مآلاً فرصت های استقرار آن، روز به روز بیشتر خواهد شد.

- امروز روز ملت هاست و خواست و اراده آنان تعیین کننده جهان فرداست.

بنابراین شایسته است همه با هم:

1- به خداوند توکل نماییم و با تمام توان در برابر اقلیت زیاده خواه بایستیم تا منزوی شوند و دست آنان از مراکز قدرت تصمیم ساز در تعیین سرنوشت ملتها کوتاه گردد.

2- بارش لطف و رحمت خداوند را باور و آن را در انسجام و وحدت جوامع بشری جستجو کنیم. ملت ها و دولت های برآمده از اراده آزاد آنان باید به توانایی های بی پایان خود مومن باشند و بدانند که با اعتماد به نفس در مبارزه با نظام ناعادلانه و دفاع از حقوق انسانی پیروزند.

3- با پافشاری بر اجرای عدالت در همه مناسبات و تقویت وحدت، دوستی و گسترش تعاملات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در قالب نهادهای مستقل و تخصصی، زمینه تحقق مدیریت مشترک جهانی را فراهم سازیم.

4- برای اصلاح ساختار سازمان ملل، بر محور منافع همگان و مصلحت جهان، تلاش مشترک و هماهنگی را سازماندهی نماییم. توجه به این نکته بسیار ضروری است که سازمان ملل متعلق به ملت هاست و از این رو وجود تبعیض بین اعضا، اهانت بزرگی به ملت هاست. وجود تبعیض و انحصار در سازمان به هیچ صورت و در هیچ اندازه ای پذیرفتنی نخواهد بود.

5- و سرانجام آنکه در تولید و ترویج ادبیات و طراحی ساختارهای لازم برای مدیریت مشترک جهانی مبتنی بر عدالت و عشق و آزادی و ضرورت استقرار آن تلاش هماهنگ و گسترده تری داشته باشیم. مشارکت در مدیریت جهانی، اساس صلح پایدار است. جنبش عدم تعهد به عنوان بزرگترین نهاد بین المللی بعد از مجمع عمومی سازمان ملل با درک اهمیت پرداختن به موضوعیت مدیریت جهانی و با فهم عمیق نسبت به نقش مدیریت ناصحیح در بروز بحران ها و مشکلات موجود گسترده در جهان، شانزدهمین نشست خود در تهران را با شعار «#171؛مدیریت مشترک جهانی» برگزار کرد. در این نشست که با حضور بسیار فعال و پرنشاط رؤسا و نمایندگان محترم بیش از 120 کشور جهان برگزار شد بر ضرورت مشارکت جدی و مؤثر همه ملت ها در مدیریت مسائل جهانی تأکید گردید.

- خوشبختانه اکنون در نقطه عطف تاریخی قرار داریم. از یک سو نظام مارکسیستی دیگر از جایگاهی در دنیا برخوردار نیست و عملاً از صحنه تدبیر مدیریتی حذف گشته است و از سوی دیگر نظام سرمایه داری نیز در باتلاقی که خود پدید آورده، گرفتار آمده و ابتکار قابل ملاحظه ای برای حل مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی جهان ندارد و عملاً در موضع تدبیر مدیریتی به بن بست رسیده است. جنبش عدم تعهد مفتخر است که یکبار دیگر بر درستی تصمیم تاریخی اش در نفی قطب های قدرت و طرد نظام های لجام گسیخته مذکور تأکید نماید. اکنون اینجانب به نمایندگی از اعضای جنبش عدم تعهد از همه کشورهای جهان دعوت می نمایم که در مسیر فراهم آوردن زمینه های مشارکت مؤثر و دخالت جدی در تصمیم سازی های جهانی، نقش فعال تری را بر عهده گیرند. ضرورت برداشتن موانع ساختاری و تسهیل در فرآیند مشارکت همگانی بیش از هر زمان دیگری احساس می شود.

- سازمان ملل اکنون از کارایی لازم برخوردار نیست و ادامه این روند، یعنی کاهش امید به ساختار جهانی برای دفاع از حقوق ملت ها، می تواند تعامل بین المللی و روحیه همکاری جمعی جهانی را به موازات نزول جایگاه سازمان ملل با خدشه اساسی مواجه سازد.

- سازمان ملل که با هدف توسعه عدالت و احقاق حقوق همگانی تأسیس شده است، در عمل خود گرفتار تبعیض شده و راه اعمال ظلم معدودی از کشورها را بر قاطبه جهان گشوده و عملاً به ناکارآمدی خود دامن زده است. وجود امتیاز وتو و انحصار قدرت در شورای امنیت به تضییق در امکان اعمال حق و دفاع از حقوق ملت ها انجامیده است.

- موضوع اصلاح ساختار چنانکه ذکر آن رفت نیاز مهمی است که بارها از سوی نمایندگان ملت ها بر آن تأکید شده، اما به اجرا گذارده نشده است.

- اینجانب از اعضای محترم مجمع عمومی و از جناب آقای دبیر کل و همکارانشان مصرا نه می خواهم تا موضوع اصلاحات را به شکل جدی در دستور قرار دهند و ساز و کار مناسبی را برای عملیاتی کردن آن تعیین نمایند.

- جنبش عدم تعهد آمادگی دارد سازمان ملل را در این امر خطیر یاری رساند.

*... او می آید

آقای رئیس، دوستان و همکاران عزیز!

- استقرار صلح و امنیت پایدار و زندگی سعادت مند برای همه بشریت، گرچه یک ماموریت بزرگ و تاریخی، اما شدنی است. خداوند مهربان ما را در انجام آن تنها نگذاشته و آن را حتمی الوقوع دانسته است چرا که خلاف آن نقض حکمت است.

- او وعده داده است مردی از جنس مهربانی، عاشق مردم و عدالت گستر مطلق و انسان کامل حضرت مهدی(عج) به همراه حضرت مسیح(ع) و صالحان می آید و با بهره گیری از ظرفیت های وجودی مردان و زنان شایسته همه ملت ها؛ تأکید می کنم با بهره گیری از ظرفیت های وجودی مردان و زنان شایسته همه ملت ها جامعه بشری را در رسیدن به آرمان های با شکوه و جاودانه اش راهبری خواهد کرد.

- ظهور منجی آغازی دیگر، تولدی دوباره و زنده شدن مجدد است. آغاز استقرار صلح و امنیت پایدار و زندگی واقعی است.

- آمدن او پایان ظلم، بداخلاقی، فقر و تبعیض و آغاز عدالت و عشق و همدلی است.

- او می آید تا دوران شکوفایی حقیقی انسان و نشاط و شادمانی واقعی و پایدار آغاز شود.

- او می آید تا با زدودن پرده های جهل، خرافه و تعصب و گشودن دروازه های علم و آگاهی، دنیایی سرشار از دانایی بر پا کند و زمینه مشارکت فعال و سازنده همگان را در مدیریت جهانی فراهم سازد.

- او می آید تا مهربانی و امید و آزادی و کرامت را به همه انسانها هدیه کند.

- او می آید تا آدمیان طعم دلپذیر انسان بودن و شهد شیرین با انسان زیستن را تجربه کنند.

- او می آید تا دست ها به گرمی در هم و قلب ها سرشار از عشق با هم و اندیشه ها پاک و هماهنگ بر هم، در خدمت امنیت، رفاه و سعادت جامعه بشری درآید.

- او می آید تا همه فرزندان سیاه، سفید، سرخ و زرد حضرت آدم(ع) را از پس یک تاریخ جدایی و فراق به خانه برگرداند و کامشان را به وصال جاودانه شیرین سازد.

- ظهور منجی و مسیح و یاران صالح جهانی آنان نه از طریق جنگ و زور بلکه از مسیر بیداری اندیشه و توسعه مهر در همگان، آینده همیشه روشن بشر را با طلوع خورشید پرفروغ و بی غروب آگاهی و آزادی رقم خواهد زد و در تن سرد و یخ زده جهان شور خواهد ریخت. او بهار را به جان آدمیت و جهان بشریت هدیه خواهد کرد. او خود بهار است و با آمدنش به زمستان وجود بشر در زنجیر جهل، فقر و جنگ پایان می بخشد و فصل شکفتن و شکوه انسان را فریاد می زند.

- اکنون می توان رایحه خوش و نسیم روح انگیز بهار انسانها را حس کرد. بهاری که در آغاز آن هستیم، اختصاص به نژاد، قوم، ملت و منطقه خاصی ندارد و به زودی همه سرزمین ها را در آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکا فرا خواهد گرفت.

- او بهار همه عدالت طلبان، آزادی خواهان و پیروان انبیاء الهی است. او بهار انسان است و خرمی دوران.

- بیاییم همه با هم در مسیر آمدنش با همدلی و همکاری و ایجاد ساز و کارهای وحدت آفرین و آرامش بخش راه بگشاییم و از فیض

وجودش جان‌های تشنه بشریت را سیراب کنیم.

- زنده باد بهار، زنده باد بهار و باز هم زنده باد بهار!